

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه خطبه جمعه مورخه ۲۱ اوت ۲۰۲۰

سیدنا امیر المومنین پنجمین خلیفه حضرت مسیح موعود علیه السلام بتاريخ ۲۱ اوت ۲۰۲۰ در مسجد مبارک اسلام آباد تلفورد خطبه جمعه ایراد فرمودند که با ترجمه شده در زبان های مختلف بر ایم تی ای زنده پخش شد. حضور انور فرمودند:

در سلسله بیان احوال اصحاب اهل بدر، از صحابی ای که امروز ذکر خیر می شود، اسمش حضرت زبیر بن عوام است. نام مادرش صفیه دختر عبدالمطلب است که عمه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بود. همین طور برادرزاده حضرت خدیجه بود. اسماء همسر حضرت زبیر، دختر حضرت ابوبکر صدیق، بود و با این حساب حضرت زبیر باجناب حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بود.

پس حضرت زبیر با حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم این نسبت ها را داشت. کنیه اش عبدالله بود. مادر بزرگش، حضرت صفیه کنیه حضرت زبیر را به کنیه برادر خود زبیر بن عبدالمطلب، ابوطاهر گذاشته بود اما حضرت زبیر کنیه خود را به نام پسر خود عبدالله نهاد که بعداً بیشتر به همان کنیه معروف بود. شامل در عشره مبشره حضرت زبیر پنجمین یا ششمین مردی بود که اسلام گروید. و همچنین وی از آن شش عضو شورای [خلافت] هم بود که حضرت عمر قبل از وفات خود برای انتخاب خلیفه بعدی تشکیل دادند. وقتی حضرت زبیر به اسلام گروید، عمویش او را در حصیری پیچیده و در آن دود می دمید تا او اسلام را رها کرده ولی در پایه ثبات ایشان لغزشی نآمد.

مادر حضرت زبیر، حضرت صفیه در کودک او را به این علت کتک می زد تا او شجاع و دلیر گردد. حضور انور بعضی اشعار حضرت صفیه که مشتمل بر

این واقعه بود خواندند و فرمودند این روش تربیت و شجاع گردن بود، اما لازم نیست که ما بگوییم که این روش بسیار خوبی بود و امروزه ما معمولاً با این روش اعتماد کم می‌شود.

حضرت زبیر در هر دو هجرت که به سوی حبشه اتفاق افتاد، شرکت کرد و وقتی به مدینه مهاجرت کرد، در منزل حضرت منذر بن مجد اسکان نمود. حضرت اسماء رضی الله عنها که همسر حضرت زبیر بن عوام بود، دوران سفر هجرت باردار بود و عبدالله بن زبیر در مقام قبا به دنیا آمد، سپس با او در خدمت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم حاضر شد، ایشان او را در آغوش گرفتند و خرما طلبیدند و آن را جویدند و سپس اول لعاب دهان خود را در دهن او ریختند سپس ایشان آن خرما را جویدند و در دهان او گذاشتند و برای او دعای برکت خواندند و عبدالله اولین کودکی بود که در اسلام به دنیا آمد. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم قبل از هجرت بین حضرت زبیر و حضرت عبدالله بن مسعود پیمان اخوت و برادری بستند و پس از هجرت به مدینه وی حضرت سلمی بن سلامه برادر دینی‌اش قرار گرفت. حضرت زبیر برای فال نیک اسامی فرزندان خود را بر اسامی شهدا نهاد.

پسر حضرت زبیر بر موقعی درباره تعریف نکردن روایات پیامبر اکرم ﷺ از وی پرسید، وی فرمود: از زمانی که اسلام آورده‌ام، هیچ گاه از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم جدا نشده‌ام اما من شنیدم که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: کسی که عمداً سخن دروغین به من نسبت داد، وی جایگاه خود را در جهنم ساخته است. وی تا این حد احتیاط می‌کرد.

حضرت زبیر بن عوام اولین فردی است که شمشیر خود را در راه خدا از نیام برآورد. باری، حضرت زبیر در مطابخ که نام مکانی از مکه است، داشت استراحت می‌کرد که یکباره صدایی آمد که محمد صلی الله علیه و سلم کشته شده‌اند، وی بلافاصله شمشیر خود را از نیام درآورده و راه افتاد، در میان راه وی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را دید آن حضرت وی رِق بایستاد، سبب شمشیر از نیام درآوردن پرسید، وی عرض کردم من تصمیم گرفتم که تمام اهل مکه را بکشم آنگاه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم برای او به طور خاص دعا کردند. حضرت زبیر در غزوه بدر و تمام غزوات دیگر شرکت کردند. در روز بدر یکی از دو اسب سوار با زرد عمامه بسته حضرت زبیر بودند. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم با دیدن او فرمودند: فرشتگانی همچون زبیر در همین زرد عمامه بسته فرود آمده‌اند. حضرت زبیر بن عوام تعریف می‌کند که در روز غزوه احد حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم برایم والدین خود را جمع فرمودند یعنی به خاطر من فرمودند: پدر و مادرم فدایت شوند. در روز غزوه احد حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم زنی را نزد جنازه‌های مثله شده را دید و نپسندیدند که او این منظر تکلیف زده را ببیند. حضرت زبیر متوجه شد که آن زن مادرش صفیه است که دو پارچه‌ای برای کفن دادن برادر خویش حمزه آورد. وقتی حضرت زبیر تمام ماجرا را در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بازگو کرد ایشان حضرت صفیه را برای دیدن جنازه حضرت حمزه اجازه دادند. بر این موقع حضرت صفیه صبر و تحمل فوق العاده ظاهر کرد.

در هنگام غزوه خندق حضرت زبیر آوردن خبری از بنو قریظه بر تحریک پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم خودش را تقدیم کرده بود. آنگاه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: هر پیامبر حواری دارد و حواری من زبیر است. در غزوه خیبر سردار معروف یهود مرهب کشته شد، برادرش یاسر به میدان آمد و فریاد «چه کسی مبارزه می‌کند» را برآورد؟ حضرت زبیر برای رویارویی با او جلو رفت و او از دستشان کشته شد.

وقتی حضرت حاطب بن ابی بلتعہ نامہ پیامبر اکرم ﷺ بالغ بر خبر از تصمیم اخیر از دست زنی به سوی اهل مکہ فرستاد، پیامبر اکرم ﷺ حضرت علی ، مقداد و زبیر را بردن آن نامہ فرستادہ بودند. حضرت عمر آن زمان بسیار عصبانی بود و اجازہ گردن زدنش خواست. حضرت پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و سلم فرمودند: وی در غزوہ بدر شرکت کردہ بود و خداوند اہل بدر را از آسمان نگاہ کرد و فرمود کہ ہر چہ انجام دادید، من شما را بخشیدم.

وقتی پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم مکہ را فتح کردند، آن موقع حضرت زبیر بن عوام بہ طرف سمت چپ لشکر بودند وقتی پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم بہ بت ہبل عصای خود زدند و از جای خود افتاد و شکست و حضرت زبیر با لبخند بہ ابوسفیان نگاہ کرد و گفت ای ابوسفیان! یادت ہست کہ تو بہ سبب تکبر اعلام کردہ بودی کہ اعل ہبل اعل ہبل. موقع جنگ یرموک حضرت زبیر بہ اصرار صحابہ رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم حملہ کرد آنوقت با اینقدر سرعت حملہ کردند کہ صفہای کفار را پارہ کردند و جلو رفتند و دیدند کہ ہیچ رفیقی ہمراہ ایشان نبود.

دوران معرکہ ہای مصر حضرت عمرو بن عاص بہ حضرت عمر برای کمک درخواست کردند حضرت عمر دہ ہزار نفر و چہار افسر روانہ کردند. فرمودند کہ ہر یک افسر برابر بہ یک ہزار پیادہ است و بین آنان یکی حضرت زبیر بودند. حضرت عمر شش نفرہ کمیٹہ برای انتخاب خلافت مقرر کردہ بودند و وقتی آن کمیٹہ کہ معاملہ ریاضت خود را بہ سہ نفر سپرد . حضرت زبیر گفتند کہ من رضایت خود بہ حضرت علی می دہم.

حضور پر نور واقعہ انتخاب خلافت حضرت عثمان را بیان فرمودند و بعد از این فرمودند ذکر حضرت زبیر ادامہ می دارد، انشاء اللہ بعدا بیان خواہم کرد.

در قسمت دومین خطبه حضور پرنور ذکر خیر سه فوت شدگان کردند و اعلام اقامه نماز میت کردند.

نخستین ذکر جناب معراج احمد شهید ابن محمود احمد از دوگری گاردن ناحیه پشاور است. بسبب فعالیت مخالفانه علیه جماعت احمدیه مخالفین احمدیت روز ۱۲ اوت ساعت ۹ شب ایشان را جلوی داروخانه خودشان شلیک کردند و شهید کردند. انا لله و انا الیه راجعون. موقع شهادت ۶۱ ساله بودند. شهید حامل ویژگی‌های خاص بودند به طور خاص در خانه نماز جماعت برگزار می‌کردند و با خلافت محبت داشتند و مهمانداری و همدردی مخلوق و کمک مستمندان از صفات نمایان ایشان بودند. در پسماندگانش اهلیه و سه تا پسر و یک دختر. سوگوار هستند.

جنازه دیگر متعلق به عزیزم ادیب احمد است. وی مربی سلسله بود و پسر آقای محمد ناصر دوگر بود که از منطقه ایده‌ی بور شهر نارووال است. بتاريخ ۹ اوت ۲۷ سالگی بعد از بیماری حصبه و مرض سرسام در کوتاه مدت درود به جهان گفت. انا لله و انا الیه راجعون. در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۷ از جامعه فارغ التحصیل شد. در میدان عمل تحت اداره اصلاح و ارشاد مقامی کار می‌کرد. وی پایبند صوم و صلوات بود طبع ساده، لهجه نرم و چهره متبسم داشت. متوفی با درک روحیه حقیقی وقف، زندگی را به سر می‌برد. در جماعت چینی کی فقط یک اتاق «بعنوان خانه مربی» آنجا بود و لوازم خانه هم میسر نبودند. باوجود این با حوصله بسیار آنجا وظیفه را ایفا نمود.

جنازه سومین آقای حمید احمد شیخ است که پسر آقای شیخ محمد حسین بود. در تاریخ ۱۲ اوت بعلت سکت قلبی در سن ۵۰ سالگی فوت کرد. انا لله و انا الیه راجعون. وی نوه آقای شیخ نور احمد بود که صحابی حضرت مسیح موعود علیه السلام بود. پایبند نماز پنجگانه بود و در تحریک های مالی جماعت بیشتر و بیشتر شرکت نمود آقای حمید شیخ معمار منشور

بود. وقتی در اسلام آباد، پاکستان زندگی می کرد بعنوان رئیس انجمن IAAAE خدمات را انجام می داد و در جایگاه مختلف توفیق خدمت می یافت.

در اختتام خطبه جمعه حضور پر نور برای همه ای فوت شدگان دعایی مغفرت فرمودند.